

(س) بقای روح (درس ۱)

پس اثبات روح شد که روح انسانی موجود است حال باید اثبات بقای روح را کرد .

در کتب سماویّه ذکر بقای روح است و بقای روح اسّ اساس ادیان الهیّه است زیرا مجازات و مکافات بر دو نوع بیان کرده‌اند یک نوع ثواب و عقاب وجودی و دیگری مجازات و مکافات اخروی . اما نعیم و جحیم وجودی در جمیع عوالم الهیّه است چه این عالم و چه عوالم روحانی ملکوتی و حصول این مکافات سبب وصول بحیات ابدیّه است اینست که حضرت مسیح میفرماید چنین کنید و چنان کنید تا حیات ابدیّه بیابید و تولّد از ماء و روح جوئید تا داخل در ملکوت شوید . و این مکافات وجودی فضائل و کمالاتیست که حقیقت انسانیّه را تزئین دهد مثلاً ظلمانی بود نورانی شود جاهل بود دانا گردد غافل بود هشیار شود خواب بود بیدار گردد مرده بود زنده شود کور بود بینا گردد کر بود شنوا شود ارضی بود آسمانی گردد ناسوتی بود ملکوتی شود . ازین مکافات تولّد روحانی یابد خلق جدید شود مظهر این آیه انجیل گردد که در حقّ حواریّین میفرماید که از خون و گوشت و اراده بشر موجود نشدند بلکه تولّد از خدا یافتند یعنی از اخلاق و صفات بهیمی که از مقتضای طبیعی بشریست نجات یافتند و بصفات رحمانیّت که فیض الهی است متّصف شدند معنی ولادت اینست . و در نزد این نفوس عذابی اعظم از احتجاب از حقّ نیست و عقوبتی اشدّ از رذائل نفسانی و صفات ظلمانی و پستی فطرت و

انهماک در شهوات نه چون بنور ایمان از ظلمات این رذائل خلاص شوند و باشراف شمس حقیقت منور و بجمیع فضائل مشرف گردند این را اعظم مکافات شمرند و جنت حقیقی دانند . بهمچنین مجازات معنویّه یعنی عذاب و عقاب وجودی را ابتلای بعالم طبیعت و احتجاب از حقّ و جهل و نادانی و انهماک در شهوات نفسانی و ابتلای برذائل حیوانی و اتّصاف بصفات ظلمانی از قبیل کذب و ظلم و جفا و تعلّق بشؤون دنیا و استغراق در هواجس شیطانی شمرند و اینرا اعظم عقوبات و عذاب دانند . اما مکافات اخرویّه که حیات ابدیّه است و حیات ابدیّه مصرّح در جمیع کتب سماویّه و آن کمالات الهیّه و موهبت ابدیّه و سعادت سرمدیّه است مکافات اخروی کمالات و نعمی است که در عوالم روحانی بعد از عروج ازین عالم حاصل گردد . اما مکافات وجودی کمالات حقیقی نورانیست که در این عالم تحقّق یابد و سبب حیات ابدیّه شود زیرا مکافات وجودی ترقّی نفس وجود است مثالش انسان از عالم نطفه بمقام بلوغ رسد و مظهر فتبارک الله احسن الخالقین گردد و مکافات اخروی نعم و الطاف روحانیست مثل انواع نعمتهای روحانی در ملکوت الهی و حصول آرزوی دل و جان و لقای رحمن در جهان ابدی . و همچنین مجازات اخرویّه یعنی عذاب اخروی محرومیّت از عنایات خاصّه الهیّه و مواهب لاریبیّه و سقوط در اسفل درکات وجودیّه است و هر نفسی که ازین الطاف الهی محروم و لو بعد از موت باقیست ولی در نزد اهل حقیقت حکم اموات دارد . و اما دلیل عقلی بر بقای روح اینست که بر شیء معدوم آثاری مترتّب نشود یعنی ممکن نیست از معدوم صرف آثاری ظاهر گردد زیرا آثار فرع وجود است و

فرع مشروط بوجود اصل . مثلاً از آفتاب معدوم شعاعی ساطع نشود از بحر معدوم امواجی پیدا نگردد از ابر معدوم بارانی نبارد از شجر معدوم ثمری حاصل نشود از شخص معدوم ظهور و بروزی نگردد پس مادام آثار وجود ظاهر دلیل بر اینست که صاحب اثر موجود است . ملاحظه نمائید که الآن سلطنت مسیح موجود است ، پس چگونه از سلطان معدوم سلطنت باین عظمت ظاهر گردد و چگونه از بحر معدوم چنین امواجی اوج گیرد و چگونه از گلستان معدوم چنین نفحات قدسی منتشر شود ؟ ملاحظه نمائید که از برای جمیع کائنات بمجرد تلاشی اعضا و تحلی ترکیب عنصری ابدأ اثری و حکمی و نشانی نماند چه شیء جمادی و چه شیء نباتی و چه شیء حیوانی مگر حقیقت انسانی و روح بشری که بعد از تفریق اعضا و تشتیت اجزا و تحلیل ترکیب باز آثار و نفوذ و تصرفش باقی و برقرار . بسیار این مسأله دقیق است درست مطالعه نمائید این دلیل عقلی است بیان میکنیم تا عقلاً بمیزان عقل و انصاف بسنجند . اما اگر روح انسانی مستبشر شود و منجذب بملکوت گردد و بصیرت باز شود و سامعه روحانی قوت یابد و احساسات روحانیّه مستولی گردد بقای روح را مثل آفتاب مشاهده کند و بشارات و اشارات الهی احاطه نماید و دلائل دیگر را فردا گوئیم .